

Assessing the applicability of the human rights doctrine of "responsibility to protect" in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran based on the jurisprudential basis of " Uniting the Hearts "

Received: 2021-07-20

Accepted: 2022-01-20

Amir Keshtgar *

Muhammad Sadri Arhami **



Vol 24, No. 95, Autumn 2021

This research has dealt with the ability to implement the theory of protection responsibility based on the jurisprudential rule of "Uniting the Hearts". In answer to the main question, "What is the scope of application of the basis of the uniting the hearts in the theory of protection responsibility?" It was hypothesized that "the theory of the responsibility of protection, based on the jurisprudential rule of the uniting the hearts, can be a good legal basis for the implementation of the human rights standards of the Islamic Republic of Iran in foreign policy." The subject of the research was explained in three areas using descriptive-analytical method. First, it was possible to identify the principle of the theory of responsibility based on the uniting the hearts in the two axes of "the possibility of identifying the conceptual relationship with the uniting the hearts" and "the possibility of identifying the applicability of authorship in the absence". Then, with a reductionist and generalist approach, which considers the inclusion of the title of component of their hearts in relation to infidels and Muslims, individuals subject to the responsibility of protection based on the uniting the hearts and the territory of this responsibility were identified. In the third area of the research, the application of the rule of uniting the hearts in the doctrine of responsibility of protection and implementation of the theory was discussed and then, while applying

* PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran - Farabi College (Corresponding Author). (amir.keshtgar@chmail.ir)

** Assistant Professor of Law, Imam Hossein University. (sadri6400@gmail.com)

the levels of responsibility of protection - which includes responsibility of prevention, responsibility of reaction and responsibility of reconstruction - with jurisprudential rulings and titles. Numerous Shari'a proved the agreement of the two bases of the research subject in terms of hierarchical strategy.

Keywords: Theory of Responsibility, Protection, Uniting The Hearts, Foreign Policy, Human Rights Doctrine, Jurisprudential Principles.



ارزیابی قابلیت اجرای نظریه «مسئولیت حمایت» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مبنای فقهی «تألیف قلوب»

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۴/۲۹

امیر کشتگر *

محمد صدوری ارحامی **

این پژوهش به قابلیت اجرای نظریه مسئولیت حمایت مبتنی بر قاعده فقهی «تألیف قلوب» پرداخته است. در پاسخ به این پرسش اصلی که «قلمرو کاربست مبنای تألیف قلوب در نظریه مسئولیت حمایت چه میزان است؟» این فرضیه مطرح شد که «نظریه مسئولیت حمایت، مستنبط از قاعده فقهی تألیف قلوب، می‌تواند مبنای حقوقی مناسبی برای جامه عمل پوشاندن به موازین حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی باشد.» موضوع پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در سه ساحت تبیین گردید. نخست به امکان شناسایی اصل نظریه مسئولیت حمایت مبتنی بر مبنای تألیف قلوب در دو محور «امکان شناسایی نسبت مفهومی با تألیف قلوب» و «امکان شناسایی قابلیت کاربست تألیف قلوب در عصر غیبت» پرداخته شد. سپس با رویکرد تقلیل‌گرا و تعمیم‌گرا، که قائل به شمولیت عنوان مؤلفه قلوبهم نسبت به کفار و مسلمانان است، افراد مشمول مسئولیت حمایت مبتنی بر مبنای تألیف قلوب و قلمرو این مسئولیت مورد شناسایی قرار گرفتند. در ساحت سوم پژوهش کاربست قاعده تألیف قلوب در دکترین مسئولیت حمایت و مراتب اجرای نظریه بحث و بررسی گردید و در ادامه، ضمن تطبیق مراتب مسئولیت حمایت - که شامل مسئولیت پیشگیری، مسئولیت واکنش و مسئولیت بازسازی می‌شود - با احکام و

* دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی (دانشگاه تهران)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
(amir.keshtgar@chmail.ir).

** استادیار گروه حقوق دانشگاه امام حسین، تهران، ایران. (sadri6400@gmail.com).



عناوین فقهی و شرعی متعدد، مطابقت دو مبنای موضوع تحقیق از حیث راهبردی نگاری سلسله‌مراتبی به اثبات رسید.

کلیدواژه‌ها: نظریه مسئولیت حمایت، تألیف قلوب، سیاست خارجی، دکترین حقوق بشر، مبانی فقهی.

۱- مقدمه

چارچوب اعتقادی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سیاست‌گذاران این عرصه را به فهم متمایزی از واقعیات و مناسبات نظام بین‌الملل سوق می‌دهد و نیازهای خاصی را به‌عنوان اهداف سیاست خارجی ترسیم می‌نماید. بخشی از این اهداف نظیر حفظ استقلال، تأمین امنیت، تحکیم و توسعه قدرت ملی، منافع حیاتی و ضروریات اولیه ضامن حفظ موجودیت سیاسی دولت اسلامی هستند و از آن‌ها به «منافع ملی» تعبیر می‌شود (بهزادی، ۱۳۵۲، ص. ۱۲۹)؛ و بخش دیگری از این اهداف مسئولیت‌های فراملی نظام سیاسی اسلام است که جنبه جهان‌شمول دین مبین اسلام را شامل می‌گردد (شجاعی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵).

در تشریح مبنای مسئولیت فراملی دولت جمهوری اسلامی ایران باید به جایگاه انسان در جهان‌بینی اسلامی توجه داشت. کرامت انسانی و شرافت ذاتی، مهم‌ترین مؤلفه انسان‌شناسی اسلامی، زیربنای محکم اخلاق و حقوق به انسان کیفیتی ممتاز نسبت به دیگر مخلوقات می‌دهد (کشتگر و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۹، ص. ۸۳). حکومت اسلامی موظف است راهبردهای خود را مبتنی بر احترام به کرامت ذاتی انسان تعریف نماید تا از رهگذر آن، با بروز کمالات، کرامت اکتسابی یا ارزشی محقق شود (کعبی، ۱۳۹۴، ج. ۱ صص. ۸۲ - ۸۵). با تدقیق در منابع شرعی می‌توان دریافت که از الزامات مترتب بر مبنای «کرامت انسانی» (اسراء، ۷۰)، جلوگیری از ظلم (بقره، ۲۷۹) و اهتمام به گسترش عدالت است (مائده، ۸)؛ چنان‌چه کرامت انسانی نقض و حقوق بنیادین او تهدید شود، استنصار حق هر مظلوم و ستم‌دیده (شوری، ۴۱) و حمایت از مظلومان و مستضعفان وظیفه آحاد افراد خصوصاً دولت اسلامی است (نساء، ۷۵). بنابراین حمایت از مستضعفان و مظلومان از احکام مسلم و قطعی اسلام و یکی از اصول سیاست خارجی دولت اسلامی محسوب می‌شود.^۱

۱. این موضوع در بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی با تصریح به این‌که «تنظیم سیاست خارجی کشور -

با توجه به این که امروزه ادبیات سیاست خارجی کشورها با مقوله حقوق بشر عجین شده است (باقرزاده، ۱۳۹۰، ص. ۲۳۸) تکوین و تکامل یک دکترین حقوقی جامع ضرورتی انکارناپذیر در عملیاتی کردن موازین اسلامی حقوق بشر در قلمرو سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود؛ در این پژوهش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب قابلیت اعمال نظریه «مسئولیت حمایت»^۱ - به عنوان نظریه نوظهور حقوق بین‌المللی بشر- و تطبیق با مبنای «تألیف قلوب» در فقه سیاسی امامیه بررسی شده است. در جواب این پرسش که «قلمرو کاربست مبنای تألیف قلوب در نظریه مسئولیت حمایت چه میزان است؟» این فرضیه مطرح گردید که «مستنبط از مبنای فقهی قاعده تألیف قلوب، نظریه مسئولیت حمایت می‌تواند مبنای حقوقی مناسبی برای جامعه عمل پوشاندن به موازین حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی باشد.» تحقیق حاضر از نوع بنیادی و نظریه‌پردازی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل مستندات حقوق بین‌المللی بشر و فقه سیاسی امامیه، به نظریه مسئولیت حمایت در سه محور «شناسایی اصل»، «شناسایی افراد مشمول» و «شناسایی مراتب اعمال» می‌پردازد.

۲- «امکان شناسایی اصل» نظریه مسئولیت حمایت مبتنی بر مبنای تألیف قلوب

مبتنی بر دیدگاه برخی از حقوق دانان مسلمان، نظریه مسئولیت حمایت، به عنوان هنجاری متأخر در حقوق بین‌الملل، با آموزه‌های اسلامی بیگانه نیست و دین مبین اسلام با تأکید بر کرامت انسانی و تدارک برنامه‌ای جامع برای هدایت و سعادت دنیوی و اخروی، موضوع حمایت از مظلوم را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و راهکارهای متعدد جامعه عمل پوشاندن به این راهبرد را تشریح کرده است (حبیبزاده، ۱۳۹۵، ص. ۲۷). براین اساس می‌توان

براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان «شناسایی شده است. هم‌چنین قانون‌گذار اساسی در اصل ۱۵۴ با اشاره به این که «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین درعین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند»، با تأکید بیشتری به اساسی‌سازی این موضوع پرداخته است.



مبنای تألیف قلوب را نیز - به مثابه یکی از مهم‌ترین سامانه‌های فقهی در شریعت اسلامی - در عداد مبانی مشروعیت‌بخش دکترین مسئولیت حمایت قلمداد کرد. مقصود از «مبانی» در این جا «دلیل اعتبار و مشروعیت» است (منصورآبادی و ریاحی، ۱۳۸۹، ص.۰). به‌زعم نگارنده، تألیف قلوب یکی از ادله اعتبار و مشروعیت نظریه مسئولیت حمایت است. برای اثبات این مدعا، اصل نظریه مبتنی بر مبنای تألیف قلوب دو محور پیشینی (تحلیل نسبت مفهومی مسئولیت حمایت و تألیف قلوب) و پسینی (تحلیل قابلیت کاربست تألیف قلوب در عصر غیبت) بررسی خواهد شد.

۱-۲) امکان شناسایی از منظر «نسبت مفهومی» با تألیف قلوب

از مقدمات بایسته ورود به گستره هر دانش، شناخت واژگان آن است؛ این مهم در مطالعات فقهی و حقوقی اهمیت بیشتری می‌یابد؛ اینکه برخی صاحب‌نظران، عالم فقه و حقوق را علم الفاظ خوانده‌اند، حاکی از نقش کلیدی الفاظ و اصطلاحات در این قلمرو است (منصورآبادی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). در این بخش از نوشتار با بررسی تناسب و تقارن مفهومی تألیف قلوب به مثابه دلیل اعتبار و مشروعیت مسئولیت حمایت، مبنایابی یکی برای دیگری نشان داده خواهد شد.

۱-۱-۲) تبیین مفهومی اصطلاح «مسئولیت حمایت»

نظریه مسئولیت حمایت از اولین سال‌های قرن ۲۱ مورد توجه حقوق‌دانان قرار گرفت و در اسناد بین‌المللی به ابعاد مختلف آن توجه شد. این وجه توجه ناشی از سنت نظام بین‌الملل در حق انحصاری و جهانی دولت‌ها در حاکمیت مطلق بر اتباع خود و استقلال عمل آن‌ها در روابط خارجی و اصولی چون «احترام به حاکمیت» و «منع مداخله در امور داخلی» بود (اسدزاده و نژدی منش، ۱۳۹۵، ص. ۱۷). بروز فجایع بشری متعدد از یک سو و خلأ وجودی سازوکاری مشخص، که بتواند خطمشی واکنش منطقی و مؤثری را برای مقابله با بحران‌های بشری ترسیم کند از دیگر سو، صاحب‌نظران را به تأمل در ارائه جایگزین مناسب‌های ناکارآمدی چون «مداخلات بشردوستانه»^۱ واداشت (دعاگو و هاشمی، ۱۳۹۸، ص. ۸۳).

مهم‌ترین محورهای مورد تأکید اسناد و گزارش‌های بین‌المللی پیرامون نظریه مسئولیت حمایت عبارتند از: ۱- امنیت انسانی از عناصر ذاتی حاکمیت هستند و با

قادر نبودن یا عدم تمایل دولت به حمایت از شهروندان خود در برابر جنایات، این مسئولیت به جامعه بین‌المللی منتقل می‌گردد. ۲- نسل‌کشی و پاک‌سازی قومی - نژادی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، جرائم موضوع نظریه مسئولیت حمایت هستند (فرزانه، ۱۳۹۴، ص. ۳۰۱). ۳- مسئولیت حمایت شامل سه نوع مسئولیت مکمل مسئولیت پیشگیری^۱، مسئولیت واکنش^۲ و مسئولیت بازسازی^۳ می‌گردد. مستفاد از تعریف اصطلاحی می‌توان نظریه مسئولیت حمایت را «هنجاری حقوقی با جوهره اخلاقی دانست که با رویکردی سلسله مراتبی به منظور حمایت از حقوق انسانی در برابر نقض‌های گسترده و سیستماتیک حقوق بشر» شکل گرفته است.

۲-۱-۲) تبیین مفهومی اصطلاح «تألیف قلوب»

«تألیف قلوب» مرکب از دو واژه «تألیف» و «قلوب» است. «تألیف» از ریشه «ألف» به معنای اجتماع یا پیوستن به جمع با حالت دلجویی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۱) و همچنین استمالت و پیوند دادن یا پیوند یافتن چند چیز با یکدیگر است (انوری، ۱۳۸۱، ج. ۳، ص. ۱۵۸۶). «قلوب» نیز جمع قلب، عضوی از بدن است که به عنوان کانون حالات روحی، عواطف و تصمیم‌گیری انسان شناخته می‌شود؛ از این رو در معانی مختلفی چون روح، علم، شجاعت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۶۸)، فهم و عقل (ابن منظور، ۱۴۰۴ق، ج. ۱، ص. ۶۸۷) به کار رفته است. بنابر آنچه ذکر شد «تألیف قلوب» در لغت به معنای پیوند یافتن حالات روحی و عاطفی عده‌ای با یکدیگر و برقراری دوستی و پیوند گروهی از مردم است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۴، ص. ۵۵۳۷).

معنای مصطلح شرعی تألیف قلوب در متون فقهی و تفسیری ذیل بحث زکات آمده است و فقهای متقدم و متأخر به تعریف و بیان احکام آن پرداخته‌اند. شیخ طوسی در این باره گفته است: «مؤلفه قلوبهم آن دسته از کفارند که با سهمی از زکات تمایل آنان به اسلام جلب می‌گردد.» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج. ۱، ص. ۲۳۹) تلقی تألیف قلوب به مثابه صنف چهارم از مستحقان زکات با استناد به آیه ۶۰ سوره توبه است «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ

1. Responsibility to prevent
2. Responsibility to react
3. Responsibility to rebuild



السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ»؛ خداوند از «الْمَوْلَفَةَ قُلُوبِهِمْ» به عنوان یکی از اصناف هشت گانه مصرف زکات نام برده است. تعریف اصطلاحی این مفهوم به کارکرد آن به مثابه صنف چهارم از مستحقان زکات محدود گردیده است.

باید توجه داشت که مبنای مزبور را، به استناد تصریح آیه زکات، نمی توان محدود به موارد مصرف زکات دانست؛ در تأیید این استدلال یکی از فقهای معاصر بیان داشته است: اصل تألیف قلوب در اسلام یک قاعده عمومی است و محل پرداخت هزینه آن اختصاص به زکات ندارد. جریان تقسیم غنائم جنگی غزوه حنین، که مورد اتفاق عموم فقها و مورخین شیعه و سنی می باشد و روایات عامه و هم احادیث شیعه آن را تأیید می کند، ... می تواند دلیل بر تعمیم قانون تألیف قلوب از طریق کمک های مالی تلقی گردد. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۵، ج. ۶، ص. ۹۲).

علاوه بر این در آیات دیگری این مفهوم، بدون پرداختن به زکات یا دیگر مسائل مالی، استعمال شده است؛ در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران خداوند متعال بعد از امر به وحدت بر محور توحید و نهی از تفرقه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، تألیف قلوب میان مردم و ایجاد رابطه برادری را سبب رهایی از ظلمت معرفی می کند «فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا». در آیه ۶۳ سوره انفال نیز خداوند متعال دوران عداوت میان مردم (دو قبیله اوس و خزرج) را یادآوری می کند که به واسطه تشرف به اسلام، الفت و همدلی میان آنان برقرار گردید «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ». در دو آیه اخیر با برشمردن تألیف قلوب به نعم الهی، تحقق آن را منت خداوند بر مردم و پیامبر می خواند. مستند به دو آیه مذکور، وحدت و برادری مطلوب و مقصود و تفرقه و پراکندگی مبعوض و منفور خداوند متعال است. بنابراین می توان استدلال کرد از آن جاکه حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه یک تکلیف الهی است، تألیف قلوب نیز واجب شرعی ای است که باید بدان اهتمام ورزید.

با این استدلال معنای مصطلح شرعی تألیف قلوب تنها یکی از مصادیق این مفهوم است و معنایی که باید اختیار شود بر وجه لغوی آن - که پیشتر اشاره شد - مبتنا دارد. مبتنی بر این معنا، تألیف قلوب شامل «مطلق ایجاد الفت و همبستگی» می شود. با پذیرش این مدلول، ضمن ارائه خوانش عام تری از قاعده مزبور، می توان کارکردها و گزینه های گسترده تر اقتصادی و مالی را در اولویت های راهبردی دولت اسلامی تعریف

کرد. براین اساس تألیف قلوب، به مثابه قاعده عمومی، دلیل اعتبار و مشروعیت کلیه هنجارهای نوظهور حقوقی ای خواهد بود که منادی «حمایت و همبستگی با افراد انسانی تحت ستم» هستند.

با توجه به مفاهیم اساسی این نوشتار، می‌توان نظریه مسئولیت حمایت را فرصت گفتمان‌سازی نوینی جهت تعمیق و ترویج مبانی و ارزش‌های الهی و انسانی جمهوری اسلامی مبتنی بر «سعادت انسان در کل جامعه بشری» و «نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» در نظام بین‌الملل دانست (عسگری، ۱۳۹۴، ص. ۴). قاعده فقهی تألیف قلوب نیز می‌تواند مبتنی بر انگاره «حمایت از افراد تحت ستم» ضمن مقارنه مفهومی با نظریه مسئولیت حمایت، چارچوب اعمال و اجرای این نظریه را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعیین و مواضع ابهام آن را برطرف نماید.

۲-۲) امکان شناسایی از منظر «قابلیت کاربست» تألیف قلوب در عصر غیبت

با وجود تسالم مشروعیت اصل تألیف قلوب در میان مذاهب مختلف اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی بر نسخ یا عدم نسخ این مجعول شرعی بعد از رحلت پیامبر ﷺ وجود دارد (مرادی و فروتن، ۱۳۹۴، ص. ۶۴). نظر به تأثیر پذیرش هریک از این دو دیدگاه در شناسایی و کاربست نظریه مسئولیت حمایت در سیاست خارجی، اقوال فقها در این‌باره بررسی خواهد شد.

۲-۲-۱) عدم امکان شناسایی به موجب نظریه نسخ تألیف قلوب

تلقی نسخ حکم صرف زکات در تألیف قلوب بعد از رحلت پیامبر ﷺ، اعم از اینکه مؤلفه قلوبهم مسلمان یا غیرمسلمان باشند، مورد پذیرش برخی از فقها است. مهم‌ترین ادله‌ای که این عده در مقام اثبات ادعای خود طرح نموده‌اند عبارتند از «لظهور الإسلام و قوّة شوکته» و «لأنّ الصحابة لم يعطوا شيئاً من ذلك بعد الرسول ﷺ» (حلی، ۱۴۱۲ق، ج. ۸، ص. ۳۴۲). برای نمونه، ابن‌نجیم مصری، از علمای حنفی، در کتاب البحر الرائق غلبه و گسترش اسلام، اجماع صحابه و عدم انکار آنان هنگامی که «عمر» سهم مؤلفه قلوبهم را قطع کرد، دلیلی بر عدم بقای حکم تألیف قلوب بعد از حیات حضرت رسول دانسته‌است (ابن‌نجیم، بی‌تا، ج. ۶، ص. ۵۷). این تلقی در میان فقهای مالکی مذهب نیز طرفدارانی دارد، چنان‌که شهاب‌الدین بغدادی در کتاب ارشاد السالک الی اشرف المسالک بیان داشته‌است «مصارف الزکاة الاصناف الثمانية التي ذکر الله تعالی و قد سقط نصیب المولفة قلوبهم» (بغدادی، بی‌تا، ص. ۳۱)





علاوه بر فقهای عامه، در لسان برخی علمای امامیه نیز سقوط این حکم شرعی پس از حیات پیامبر اکرم قابل رؤیت است. برای نمونه، شیخ طوسی در تحلیل سقوط حکم مؤلفه قلوبهم معتقد است: اصناف خمس در شرایط غایب یا ظاهر بودن امام معصوم علیه السلام وضعیت مشابهی ندارند و مشخصاً سهم مؤلفه قلوبهم را در شرایط غیبت منتفی دانسته است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص. ۱۸۵). شیخ صدوق نیز در *من لا یحضره الفقیه* می‌نویسد «سهم مؤلفه قلوبهم بعد از پیامبر ساقط است.» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۶).^۱

۲-۳) امکان شناسایی به موجب نظریه بقای تألیف قلوب

درمقابل نظریه نخست، قائلین به بقای حکم تألیف قلوب با استناد به سیره پیامبر و استشهاد به سیره صحابه به مخالفت با دیدگاه مزبور پرداخته‌اند. از جمله در کتاب *منتهی المطلب* با استناد به «اقتداء بالنبی صلی الله علیه و آله» و «أعطی أبوبکر عدی بن حاتم ثلاثین بعیراً لما قدم علیه بثلاثمائة جمل من الصدقة» استدلال طرفداران نظریه عدم بقای حکم تألیف قلوب نقض شده است (حلی، ۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۳۴۲). علامه هم‌چنین در *تذکرة الفقهاء* دلیل این عده بر منتفی بودن حکم شرعی تألیف قلوب به موجب گسترش و قدرت‌یابی اسلام چنین ارزیابی کرده است که حکم تألیف قلوب بر قرآن کریم و سیره پیامبر ابتدا دارد و ترک کتاب و سنت جز به دلیل نسخ جایز نیست و در این موضوع نیز نسخ حکم تألیف قلوب به اثبات نرسیده است. ایشان هم‌چنین معتقد است بی‌نیازی مقطعی مسلمانان از همراهی کفار موجب رفع حکم نیست، بلکه نهایتاً مانع پرداخت این سهم است؛ فلذا احساس نیاز جامعه اسلامی نسبت به حمایت کفار در هر زمان می‌تواند به انجام این حکم شرعی مبادرت نماید (حلی، بی‌تا، ج. ۵، ص. ۲۵۰).

در تأیید استدلال فوق در کتاب *فقه الامام الصادق* در پاسخ به دیدگاه برخی مذاهب اسلامی مبنی بر سقوط سهم مؤلفه قلوبهم و عدم بقای موضوع آن با قدرت‌یافتن اسلام آمده است: «حکم تألیف قلوب مادامی که وجود غیرمسلمان و مخالف اسلامی بر زمین باقی است؛ محال است که با بقای سبب، مسبب ساقط شود و با وجود علت، معلول مرتفع گردد.» (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص. ۸۲)

لازم به ذکر است که در توجیه کلام برخی از فقهای امامیه هم‌چون شیخ طوسی و

۱. «و سهم المؤلفه قلوبهم ساقط بعد رسول الله.»

شیخ صدوق، این احتمال را وارد دانسته‌اند که منظور ایشان از سقوط این سهم، فراهم نبودن شرایط اعمال حکم است که از نبود مجری حکم یا مبسوط‌الید نبودن کسانی که صلاحیت اجرای حکم را داشته باشند، ناشی می‌شود، نه اینکه اساساً اصل حکم نسخ شده باشد (مبلغ دایمیردادی، ۱۳۹۱، ص ۹۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج. ۱۲، ص. ۱۷۹). در تأیید این سخن نیز به روایتی از امام باقر علیه السلام استناد شده است که حضرت با شرط «أن یکون هناک إمام عادل یتألفهم به علی ذلک» این حکم را ثابت دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۴ق، ج. ۵، ص. ۶۵)؛ لذا می‌توان گفت با توجه به معنای عام «امام» که شامل فقیه جامع‌الشرایط در اداره امور مسلمانان می‌شود و براساس نظریه ولایت فقیه در عصر غیبت، نواب عام با اذن تصدی مقام جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام، مشروعیت اجرای حکم تألیف قلوب در عصر غیبت را نیز دارند (پورمولا و طاهری، ۱۳۹۷، ص. ۹۶۳).

درنهایت می‌توان گفت با توجه به ضعف استدلالی طرفداران نظریه نسخ حکم شرعی تألیف قلوب، حکم مزبور پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دوام دارد و در شرایط کنونی اجرای این حکم با صلاح‌دید امام، حاکم اسلامی و دولت‌ها منع شرعی ندارد (میرمحمدی و شریفی، ۱۳۹۵، ص ۳۹)؛ حتی می‌توان گفت آنجا که تألیف قلوب به‌عنوان مبنایی برای اعمال مسئولیت فراملی دولت اسلامی درقبال افراد تحت ستم در نظر گرفته می‌شود، وجوب شرعی پیدا می‌کند. با این استدلال، شناسایی و کاربست نظریه مسئولیت حمایت در سیاست خارجی دولت اسلامی مبتنی بر مبنای فقهی تألیف قلوب بلامانع است.

۳) «شناسایی افراد مشمول» نظریه مسئولیت حمایت در پرتو مبنای تألیف قلوب

تا این جا دانستیم که نظریه مسئولیت حمایت از یک سو به‌عنوان روش حفظ و حراست بهینه از امنیت بشری درمقابل جنایات سازمان‌یافته علیه بشریت (سواری و حسینی بلوچی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۷) و از سوی دیگر به‌دلیل مطابقت با مبنای شریعت اسلامی و به‌طور خاص قاعده فقهی تألیف قلوب، مبنای حقوقی مناسبی برای تبیین کنش حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی ایران در حقوق و روابط بین‌الملل است. اما مسئله مهم فراروی راهبرد حمایت این ابهام است که جمهوری اسلامی ایران با کاربست این نظریه در سیاست خارجی خود در پی حمایت از چه کسانی است؟ آیا تنها مسلمانان مشمول چنین حمایتی هستند یا شامل غیرمسلمانان نیز می‌گردد؟

با بررسی نظریات مختلف فقهای اسلامی پیرامون قلمرو شمول تألیف‌شوندگان ذیل ۱۷۵



بحث تألیف قلوب می‌توان محدوده اجرای مسئولیت حمایت و شمولیت افراد را شناسایی نمود. در ادامه از رهگذر نقد و بررسی دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه، نظریه مطلوب و مبتنی بر رویکردی تعمیمی ارائه خواهد شد.

۳-۱) رویکرد تقلیل‌گرا در تعیین افراد مشمول حمایت

دیدگاه‌های مرتبط با این رویکرد در ذیل دو نظریه قابل بررسی است: نخست عده‌ای از فقها که معتقدند قلمرو تألیف قلوب محدود به مسلمانان است و شامل کفار نمی‌شود؛ دوم گروهی دیگر از فقها که با انحصار تألیف قلوب به غیرمسلمانان، اختصاص سهم به مسلمانان تحت این عنوان را جایز نمی‌دانند. در ادامه به بررسی استدلال‌های طرفداران هر دو دیدگاه می‌پردازیم.

۳-۱-۱) نظریه نخست از رویکرد تقلیل‌گرا

قائلین به نظریه نخست معتقدند مولفه قلوبهم افرادی هستند که با وجود اسلام آوردن، ترس از مفارقت و خروج ایشان از دین باعث می‌شود حاکم با دادن سهمی از زکات به ایشان در امر دین استوار بمانند و با تمایل به اسلام، عوامل تردیدزا از آن‌ها مرتفع شود (مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۳۹). علامه شیخ یوسف بحرانی در کتاب *الحدائق الناضرة ضمن* اذعان به آرای متشکک قلمرو تألیف قلوب از حیث افراد، با بی‌دلیل دانستن اضطراب در آرا معتقد است اخبار مروی از اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند دلیل خوبی برای کشف این حقیقت باشد که غیرمسلمانان خارج از قلمرو مولفه قلوبهم هستند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج. ۱۲، ص. ۱۷۵). از جمله دلایل روایی استنادشده صحیحه زراره است که در آن از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است:

در مورد قول خداوند متعال در مورد مولفه قلوبهم از ایشان سؤال شد که ایشان فرمودند: آنان جماعتی بودند که معتقد به یگانگی خداوند متعال بودند و عبادت غیر از خدا را ترک کرده و شهادت دادند که جز خدای یگانه معبودی نیست و اینکه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرستاده خداوند است و با این وجود در برخی از مواردی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده بود تردید داشتند؛ پس خداوند متعال به پیامبرش امر فرمود تا با مال و عطا آن‌ها را به اسلام الفت دهد برای اینکه در دین خود که بدان گرویده‌اند و بدان اقرار کرده‌اند ثابت قدم بمانند و به تحقیق، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رؤسای عرب از قریش و سایر قبایل مضر را در جنگ حنین تألیف قلوب کرد؛ از جمله آنان ابوسفیان بن حرب و عیینة بن حصین فزاری و مانند اینها بودند. (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج. ۲، ص. ۹۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۴۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج. ۴، ص. ۲۱۴)

در روایتی مشابه و مستند به این نظریه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «مؤلفه قلوبهم افرادی هستند که خداوند را یگانه می‌دانند و دست از عبادت غیر او برداشته‌اند، اما معرفت واقعی و ایمان راستین در قلوب آن‌ها رسوخ نکرده [است] و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن‌ها الفت می‌یابد و معرفت می‌دهد تا آگاه شوند و بیاموزند.» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج. ۵، ص. ۴۸۲).

۳-۱-۲) نظریه دوم از رویکرد تقلیل‌گرا

نقطه مقابل این نظریه، برخی فقها معتقدند سهم تألیف قلوب صرفاً به کفار تعلق می‌گیرد تا به اسلام تمایل یابند یا در جهاد علیه کفار به مسلمانان کمک رسانند؛ طبق این قول، مسلمانان از حمایت تألیف قلوب بی‌نصیب هستند. در این باره شیخ طوسی در *المبسوط* می‌نویسد: «نزد ما (فقهای امامیه) مؤلفه قلوبهم گروهی از کفار هستند که با سهمی از زکات تمایل آنان به اسلام جلب می‌گردد و با آنان انس و دوستی گرفته می‌شود تا در قتال علیه مشرکین از آن‌ها کمک بگیرند و اصحاب ما مسلمانان را به عنوان افرادی از مؤلفه نمی‌شناسند.» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج. ۱، ص. ۲۴۹) به تبعیت از دیدگاه مزبور، بسیاری از فقهای شیعه نیز قائل به اختصاص سهم تألیف قلوب به کفار هستند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج. ۴، ص. ۱۵۸؛ عمیدی، ۱۴۱۶ق، ج. ۱، ص. ۱۸۲)؛ تا جایی که در برخی آثار فقهی چون *خلاف و الغنیه* ادعای اجماع یا عدم خلاف بر این قول شده است (ابن‌زهره، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۲۳).

۳-۲) رویکرد تعمیم‌گرا در تعیین افراد مشمول حمایت

در برابر نظریات مطرح در دیدگاه تقلیل‌گرا، دیدگاه اکثریت فقهای امامیه و عامه قرار دارد؛ براساس این نگرش، عموم مسلمانان و کفار مشمول مؤلفه قلوبهم هستند و این عنوان انصرافی به یکی از اقسام مذکور ندارد. پیش از تشریح این موضع شایسته است ابتدا نقدهای وارده بر نظریات تقلیل‌گرا طرح شود تا از رهگذر آن، دیدگاه مختار، که بر رویکرد تعمیمی استوار است، برجسته گردد.

در نقد نظریه نخست از رویکرد تقلیل‌گرا باید اشاره کرد که مهم‌ترین دلیل قائلین این دیدگاه احادیثی است که سهم مؤلفه قلوبهم را به مسلمانان اختصاص می‌دهند؛ این روایات یا مرفوعه و مرسله هستند و یا در فرض تام‌السند بودن قاصر از تأیید دلالت ادعای مزبور هستند، بدین صورت که مسلمین را به عنوان یکی از افراد تألیف قلوب آورده‌اند و این امر با شمول غیرمسلمانان منافاتی ندارد؛ برای مثال، درباره صحیح‌ه زراره باید گفت که روایت مزبور دلالتی بر حصر ندارد و شأن نزول آیه نیز اعتراض به بذل مال به ابوسفیان و



دیگر منافقان بوده است که باقی افراد را تخصیص نمی‌زند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۴، صص. ۶۸-۷۰؛ پورمولا و طاهری، ۱۳۹۷، ص. ۹۵۳).

دیدگاه دوم از نظریه تقلیل‌گرا نیز خالی از اشکال نیست؛ چراکه دلیل «اجماع» به‌عنوان عمده‌ترین مستند نظریه اختصاص سهم مؤلفه قلوبهم به کفار، با وجود اقوال متعدد، منعقد نگردیده است؛ حتی به نظر می‌رسد شیخ طوسی، به‌عنوان اصلی‌ترین طرفدار این نظریه، در کتب *خلاف و مبسوط*، با عدول از دیدگاهش در کتب *نهایه و جمل*، به اختصاص سهم مؤلفه قلوبهم به کفار نظر داده است (منتظری، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص. ۲۱).

از رهگذر بررسی و نقد دو نظریه فوق می‌توان به نظریه شمولیت عنوان مؤلفه قلوبهم نسبت به کفار و مسلمانان رهنمون شد؛ این نظریه ضمن انطباق اطلاق تعبیر «مؤلفه قلوبهم» در قرآن کریم، به احادیث متعددی در تأیید آن استناد می‌کند (خزایی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۹۷). در لسان بسیاری از فقهای امامیه این نظر مورد پذیرش قرار گرفته است.

برخی با بیان اطلاق‌گونه، کارکرد تألیف قلوب را جلب و جذب افراد به اسلام از طریق کمک‌رساندن به آن‌ها دانسته‌اند و با این اطلاق، شمولیت سهم مؤلفه قلوبهم نسبت به کفار و مسلمانان استظهار می‌شود. برخی نیز با صراحت بر عام‌بودن تألیف قلوب نظر داده‌اند و مسلمانان و کفار را مشمول تألیف قلوب دانسته‌اند (منتظری، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص. ۱۷). بنابراین قلمرو تألیف قلوب از حیث افراد عام است؛ به‌گونه‌ای که هم شامل کفاری می‌شود که برای جلب و جذب به اسلام سهمی به آن‌ها پرداخت می‌شود و هم مسلمانانی را در برمی‌گیرد که اعتقادشان ضعیف است (نجفی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص. ۲۴۱).

۴) «شناسایی مراتب» نظریه مسئولیت حمایت در پرتو مبنای تألیف قلوب

بازبینی مبنای تألیف قلوب، براساس اقتضائات زمانه، منجر به ارائه خوانشی از این قاعده می‌شود که جایگاه آن نه برگرفته از فرع فقهی بحث اصناف زکات، بلکه به‌عنوان یک سرفصل مستقل در مباحث سیاست خارجی دولت اسلامی قابل بررسی است؛ چراکه اصل مزبور نشان می‌دهد که در سیاست بین‌المللی دولت اسلامی، جلب قلوب و فتح ذهنیت‌ها در اولویت قرار دارد و دستاوردهای قابل اکتساب آن به‌مراتب عمیق‌تر و پایدارتر است (عشریه، ۱۳۹۸، ص. ۵۶). براین اساس چه بسا دل افرادی با کمک‌های مالی به‌دست آید، درحالی‌که در دیگر افراد احترامات اجتماعی و بین‌المللی تأثیر بیشتری داشته باشد و در گروهی دیگر کمک مالی نه‌تنها بی‌تأثیر، بلکه اثر منفی برجای گذارد (ربانی، ۱۳۹۶،

صص. ۱۷۳-۱۷۴). بنابراین تألیف قلوب به مثابه یک قاعده فقهی می‌تواند طیفی از کمک‌های بشردوستانه، حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی را شامل گردد (شریعتی، ۱۳۸۷، صص. ۳۱۴-۳۱۵) و دولت اسلامی به اقتضای شرایط می‌تواند هر یک از حمایت‌ها را در پیش گیرد. در ادامه به اقسام این حمایت‌ها مبتنی بر مراتب نظریه مسئولیت حمایت اشاره می‌شود.

۴-۱) شناسایی «مسئولیت پیشگیری» در پرتو مبنای تألیف قلوب

سنگ بنای مسئولیت حمایت «مسئولیت پیشگیری» است (فرزانه، ۱۳۹۴، ص. ۳۲۸). اگرچه این مرتبه از مسئولیت حمایت در مقایسه با دیگر مراتب، چه از حیث مالی و چه از منظر حفظ جان و زندگی انسان‌ها کم‌هزینه‌تر و در اولویت است، اما در عین حال مستلزم اقدامات گسترده اجرایی و ایجاد ساختارهای خاص در حوزه‌های مختلف سیاسی - امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است (سواری و حسینی بلوچی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۲).

با توجه به اینکه همکاری و تعامل سازنده دولت‌ها و گروه‌های داخلی در شناسایی زمینه‌های بروز بحران و اتخاذ مؤثرترین راه‌حل‌های برقراری صلح و جلوگیری از وقوع فجایع انسانی، اعمال مسئولیت پیشگیری است (فرزانه، ۱۳۹۵، ص. ۷۶)، می‌توان قاعده تألیف قلوب را به عنوان مبنای برقراری صلح و تأمین امنیت انسانی و پیشگیری از بروز اقدامات ضدحقوق بشری مورد توجه قرار داد. توضیح اینکه مطالعه قاعده مزبور در یک مقیاس جهانی و به معنای سازش سیاسی در روابط بین‌المللی و تطبیق آن با مسائل نظام بین‌الملل، ضرورتاً ارتباط منظمی با اصول پذیرفته‌شده‌ای چون هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، صلح و امنیت دسته‌جمعی، حقوق بشر و سازش سیاسی دولت‌ها و گروه‌ها پیدا خواهد کرد (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج. ۲، ص. ۴۵۳). یکی از صاحب‌نظران فقه سیاسی در این باره چنین نوشته است:

اسلام در روابط بین‌المللی، صلح را به عنوان اصل اولی و زیربنای زندگی جمعی در سطح جهانی پذیرفته و ملل جهان را به اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح جهانی دعوت کرده است؛ آیات متعددی در قرآن دورنمایی از چگونگی این هم‌زیستی و انسان‌دوستی را برای ما ترسیم کرده است (انفال، ۶۱؛ بقره، ۲۰۸؛ نساء، ۹۰) و در این رهگذر از وسایل معنوی و عوامل مادی در جهت تحکیم پیوندهای انسانی سود برده است، تا آنجاکه از انگیزه‌هایی چون احسان و نیکی برای جلب عواطف دوستان بالقوه و دشمنان بالقوه استفاده کرده است و عنوان «مؤلفه قلوبهم» در قرآن حاکی از این واقعیت است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، ج. ۲، ص. ۴۵۳)





رویکرد اصلی مبنای تألیف قلوب در این سطح، مبادرت به اقدامات دیپلماتیک و دستیابی به راه‌حل‌های ایجاد تفاهم اساسی میان طرفین خصم است تا روابط صلح‌آمیز برقرار و امنیت انسانی تأمین شود. بدین منظور طیفی از ابزارهای سیاسی و حقوقی هم‌چون «اصل دعوت»، «انعقاد پیمان‌های سیاسی» و «مذاکره سیاسی» در عداد روش‌های سیاسی قرار می‌گیرند و «حکمت» نیز از جمله روش‌های حقوقی حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی در حقوق بین‌الملل اسلامی محسوب می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۰، صص. ۱۸۴-۱۸۵)؛ در ادامه به توضیح برخی از این موارد خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱) روش سیاسی و دیپلماتیک (اصل دعوت، میانجی‌گری و انعقاد پیمان صلح) نظر به اینکه «اعلام خطر در وضعیت‌های هشداردهنده» از ابزارهای پیش‌گیرانه نظریه مسئولیت حمایت قلمداد می‌شود (دعاگو و هاشمی، ۱۳۹۸، ص. ۹۶)، متناسب‌ترین راهبرد پیش‌گیرانه حقوق بین‌الملل اسلام در مطابقت با این روش، «اصل دعوت» است. اصل مزبور را می‌توان ابتدایی‌ترین راهبرد اسلام در برقراری امنیت، عدالت و تضمین حقوق بنیادین بشر به حساب آورد. این مبنا ضمن استناد به آیات متعدد قرآن کریم (نحل، ۱۲۵؛ یوسف، ۱۲۸) زیربنای دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله در روند تکاملی حیات اجتماعی بشر و تضمین واقعی حقوق آن‌ها است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت «دعوت» عنصر ثابت و روح فعالیت‌های دیپلماتیک پیامبر در مذاکرات، اعزام سفرا و هم‌چنین ارسال نامه‌ها و پیام‌ها به جمعیت‌های انسانی، رهبران و زمام‌داران کشورهای مختلف بوده است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷).

با توجه به اینکه بسیاری از نزاع‌های قومی، نژادی، مذهبی و درگیری‌های خونین ناشی از نارضایتی عمومی ریشه در تبعیض‌های ناروا، بی‌عدالتی، فقر فرهنگی و عقب‌ماندگی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد (عسگری، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۶)، دولت اسلامی می‌تواند با استفاده از راهبرد دعوت، الزامات زندگی مسالمت‌آمیز گروه‌های مختلف انسانی را متوجه حکومت‌های درگیر با منازعات داخلی نماید تا ضمن برقراری عدالت و تأمین حداقل نیازهای عمومی مردم، از بروز فجایع انسانی و درگیری‌های مرگبار جلوگیری نماید. دعوت به مؤلفه‌های اساسی امنیت انسانی در برابر تهدیدات علیه آزادی، کرامت، حیات و سلامت انسان‌ها می‌تواند با دو صفت تبشیر یا تنذیر همراه باشد و اتخاذ هر کدام از این دو طریق با توجه به موارد و موقعیت‌ها صورت می‌گیرد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۳).

برای بررسی روش‌های سیاسی و دیپلماتیک اسلام جهت حل مسألت‌آمیز اختلافات باید توجه داشت که حل بیشتر معضلات موجود در نظام بین‌الملل جز از طریق اقدام مشترک و تعاون بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و این همکاری نیز از تفاهم میان ملت‌ها به دست می‌آید؛ قرآن کریم ضمن تأکید بر اصل تعاون، به عنوان اصل عقلایی، (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۶، صص. ۱۰۶-۱۰۷)، قلمرو وسیعی را برای مشارکت فعال دولت اسلامی در تأمین صلح و امنیت انسان‌ها فراهم آورده است. انعقاد پیمان‌های سیاسی از جمله اقدامات توصیه شده اسلام به جامعه و دولت اسلامی جهت گسترش صلح و جلوگیری از بروز روابط خصمانه است (انفال، ۶۱؛ نساء، ۹۴، ۹۰) تا جایی که عقد قراردادهای صلح تکلیف و از وظایف الزامی دولت اسلامی شمرده می‌شود (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ج. ۳، ص. ۵۰۵).

به تصریح آیه ۹ سوره حجرات^۱ این وظیفه گاهی به صورت میانجی‌گری دولت اسلامی میان گروه‌های درگیر نزاع به انجام می‌رسد. اگرچه آیه مذکور به شورشیان اشاره دارد، اما معنای بین‌المللی آن مهم است؛ زیرا با تشویق به همکاری جهت استقرار عدالت و امنیت، میانجی‌گری و سازش میان طرفین خصم را به عنوان وسیله بازدارنده‌ای معرفی می‌نماید و در نهایت به کارگیری ضمانت اجرایی را علیه طرف متجاوز در کمک به طرف ستم‌دیده مقرر می‌دارد (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۹). از این مبنا در حقوق بین‌الملل معاصر به «پایمردی» یا «مساعی جمیله» تعبیر می‌شود و قدرت ثالثی، که در اختلاف موجود ذی‌نفع نباشد، با فراهم نمودن زمینه تفاهم میان دوطرف اختلاف، می‌کوشد با ارائه پیشنهادی خود زمینه صلح پایدار میان آن‌ها را فراهم کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳، ص. ۴۵۷).

۴-۱-۲) روش حقوقی (حکمیت و داوری)

ایجاد صلح و تلاش برای مصالحه از طریق «حکمیت» شیوه انسان‌دوستانه‌ای است که اسلام آن را به جای رفتارهای خشونت‌آمیز در حل اختلافات و منازعات تأیید نموده است (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ج. ۲، ص. ۱۴۵). این راه حل قضایی را به فصل خصومت از طریق ارجاع به مقام ثالث تعریف کرده‌اند (سلیمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۸). کاربرد نهاد داوری و

(۱) «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».



حکمت نه تنها در حوزه حقوق خصوصی و اختلافات خانوادگی (نساء، ۳۵)، بلکه به مثابه توافقی برای حل اختلافات بین‌المللی مورد تأکید شریعت مقدس اسلامی است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵۲). از جمله نمونه‌های تاریخی قابل استناد، حکم قرار گرفتن پیامبر ﷺ توسط رؤسای قبایل مکه، اندکی پیش از ظهور اسلام، در اختلاف حجرالاسود بود (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۸)؛ بعلاوه بعد از ظهور اسلام و اختلاف پیامبر ﷺ در نقض عهد یهودیان بنی‌قریظه، طرفین حکمت سعد بن معاذ را پذیرفتند (بلاذری، ۱۳۳۷، ص. ۲۱). بنابراین جلب همدلی و همراهی دولت‌ها و ملت‌ها و دعوت آن‌ها به حل مسالمت‌آمیز مناقشات از مصادیق بارز اصل تألیف قلوب قلمداد می‌شود (عشریه، ۱۳۹۸، ص. ۵۷) که از بروز فجایع بشری و ارتکاب رفتارهای سبعانه جلوگیری و زمینه را برای تضمین حقوق بنیادین و امنیت انسانی فراهم می‌نماید.

۲-۴) شناسایی «مسئولیت واکنش» در پرتو مبنای تألیف قلوب

با شکست اقدامات پیشگیرانه و گسترش سازمان‌یافته درگیری‌ها و جرائم سبعانه، تلاش‌ها باید معطوف بر کاهش آسیب‌ها و یا توقف آن‌ها باشد (فرزانه، ۱۳۹۴، ص. ۳۳۰). در این مرتبه از مسئولیت حمایت نیز اصل اولیه اقدامات کمتر قهرآمیز پیش از اعمال اقدامات اجباری و مداخله بیشتر اولویت دارد (دعاگو و هاشمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۱). براین اساس می‌توان مجموعه اقدامات مسئولیت واکنش را ذیل دو عنوان «اقدامات غیرنظامی» و «اقدامات نظامی» بررسی نمود. کارکرد مبنای تألیف قلوب در اقدامات غیرنظامی بدین صورت است که دولت اسلامی با اتخاذ سیاست‌هایی زمینه‌تعامل و هم‌گرایی طرفین نزاع را فراهم می‌کند تا بحران‌های ایجادشده مهار و از گسترش تلفات بیشتر جلوگیری به عمل آید؛ و در صورت عدم کفایت این اقدامات، دولت اسلامی با فعالیت‌های مداخله‌گرانه به حمایت از انسان‌های مظلوم و قربانیان جنایات ارتکاب‌یافته مبادرت می‌ورزد. در ادامه تعدادی از احکام شرعی فقه امامیه را براساس این تقسیم‌بندی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲-۴) اقدامات غیرنظامی و صلح‌طلبانه

در تشریح رویکرد نخست باید اشاره کرد که فرآیند صلح‌سازی از طرق دیپلماتیک، محدود به مرحله پیشگیری نیست و دولت اسلامی می‌تواند با استفاده از ابزار میانجی‌گری دیپلماتیک حتی بعد از بروز منازعات در کنترل بحران انسانی و تعدیل آن گام بردارد. «مهادنه» از جمله معاهدات مبتنی بر ترک مخاصمه و برقراری صلح موقت - با پرداخت عوض یا بدون آن - است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج. ۲، ص. ۵۰) که در حقوق بین‌الملل اسلامی

مورد پذیرش بود و فقهای امامیه و اهل سنت فی الجمله به جواز آن حکم داده‌اند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹، ج. ۲، ص. ۶۴۴).

مقصود از «جواز» در این جا به معنای اعم است که در برابر حرمت قرار می‌گیرد و شامل واجب و مکروه می‌شود؛ قید فی الجمله نیز برای بیان این نکته است که این جواز مشروط به شروطی است که با فراهم نیامدن آن‌ها هدنه حرام خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص. ۶). صاحب جواهر برای اثبات مشروعیت پیمان هدنه علاوه بر استناد به اجماع محصل و منقول، به آیاتی از قرآن کریم نیز استناد نموده است (توبه، ۷؛ انفال، ۶۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج. ۲۱، ص. ۲۹۱-۲۹۲). نکته قابل توجه در خصوص پیمان ترک مخاصمه این است که نه تنها عدم دریافت مال جهت انعقاد این پیمان جایز است، بلکه به ضرورت یا مصلحت می‌توان با پرداخت مالی طرف مقابل را برای انعقاد این معاهده ترغیب نمود (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۴). این بدان معنا است که دولت اسلامی می‌تواند با اعلام برخی مشوق‌های سیاسی و اقتصادی و ایجاد انگیزه لازم برای انعقاد پیمان ترک مخاصمه به فرآیند برقراری صلح و جلوگیری از تشدید بحران انسانی کمک نماید.

۴-۲-۲) مداخلات نظامی و اقدامات قهری

مبتنی بر دکترین مسئولیت حمایت، مسئولیت واکنش با اقدام نظامی تنها زمانی می‌تواند موجه باشد که مسئولیت پیشگیری و روش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از بحران یا حل مسالمت‌آمیز کاملاً غیرمؤثر باشد و مساعی جمیله برای برقراری سازش ناکام بماند (عسگری، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۱-۱۹۲). در نظام حقوقی اسلام نیز مداخله نظامی و اتخاذ سیاست خصمانه انحصاری و به دلیل خاص نیاز دارد (اسماعیلی و غمامی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸) و مادام نبود دلیل خاص، اصل و وضع اولی بر عدم مداخله و اقدام قهری است (موسی‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۷).

از مهم‌ترین دلایل خاصی که مداخله نظامی و اقدام قهری را موجه می‌کند، مقابله با عوامل مؤثر در بروز خشونت‌های تمام‌عیاری است که علیه انسان‌های مظلوم و مستضعف انجام می‌شود. از جمله مفاهیم ناظر به این وظیفه شرعی «قتال فی سبیل المستضعفین» است که احکام شرعی آن در باب فقهی «جهاد» تبیین شده است. مهم‌ترین مستندات قرآنی در این خصوص، آیه ۷۵ سوره نسا است^۱ که در آن خداوند متعال با تحریک

(۱) «وَمَا لَكُمْ لَأْتَأْتُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ».



عواطف انسانی، حمایت و نجات کسانی را که در چنگال ستمگران گرفتار شده‌اند متوجه جامعه و دولت اسلامی می‌داند (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۰).

البته باید توجه داشت هم‌چنانکه مبنای تألیف قلوب طیفی از حمایت‌ها از جمله حمایت نظامی را شامل می‌شود، این عمومیت اقتضا می‌کند هر کدام از اقسام حمایت نیز ابزارها و مصادیق مختلفی داشته باشد و اتخاذ هر یک به شرایط اعمال این حمایت‌ها بستگی دارد. بنابراین مداخله نظامی تنها منحصر به مقوله قتال و جهاد نیست و دولت اسلامی می‌تواند در صورت مهیا بودن شرایط لازم برای مداخله مستقیم نظامی، از طریق کمک‌های تسلیحاتی یا اعزام مستشاران نظامی به افراد مظلوم و مستضعف یاری رساند.

۳-۴) شناسایی «مسئولیت بازسازی» در پرتو مبنای تألیف قلوب

واپسین مرحله دکتترین مسئولیت حمایت، مرحله تعهدات بعد از مداخله^۱ یا مرحله صلح‌سازی^۲ است که از آن به مرحله بازسازی تعبیر می‌شود (دعاگو و هاشمی، ۱۳۹۸، ص. ۹۹). اهمیت توجه به این مسئولیت از آن رو است که بعد از بحران، با توجه به از کار افتادگی ظرفیت‌ها و اقتدار دولت مربوطه یا کناره‌گیری آن در ایفای مسئولیت حمایت از شهروندان، باید تعهدی واقعی برای کمک به ایجاد یک صلح بادوام، حکمرانی خوب و توسعه پایدار از سوی کارگزاران بین‌المللی وجود داشته باشد تا با همکاری مقامات محلی امنیت و نظم عمومی برقرار شود (عسگری، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۲).

منبعث از شریعت مقدس، دولت اسلامی با تمسک به ابزارهای متعددی می‌تواند به مساعدت افراد آسیب‌دیده اهتمام ورزد و با ایشان جهت بازسازی شرایط مناسب زندگی سیاسی و اجتماعی خود همکاری کند. ارسال کمک‌های بشردوستانه از مهم‌ترین فرصت‌های همدلی و تألیف قلوب در جهان معاصر قلمداد می‌شود که علاوه بر کاهش آلام قربانیان حوادث، می‌تواند به جلب نظر افراد آسیب‌دیده و تقویت احترام به دین اسلام و نشان دادن ابعاد انسانی آن بینجامد (میرمحمدی و شریفی، ۱۳۹۵، ص. ۴۵).

مجموعه این مساعدت‌ها می‌تواند اشکال دیگری داشته باشد. یکی از این موارد، اعطای کمک‌های اقتصادی و مشارکت در طرح‌های اقتصادی جهت جلوگیری از زیان بیشتر یا جلب منافع حداکثری است؛ توضیح اینکه سرمایه‌گذاری دولت اسلامی و یا

1. Post-intervention obligations.
2. Peace Building.

اعطای کمک‌های مالی بلاعوض در جامعه انسانی آسیب‌دیده از بحران، ضمن ایجاد همدلی موجب تقویت و عزت اسلام می‌گردد و می‌توان چنین اقداماتی را در ردیف اهداف و مقاصد عالیه دین به حساب آورد (همان، صص. ۴۵-۴۵). اگرچه محوریت اعمال تألیف قلوب در مرحله بازسازی از طریق ابزارهای اقتصادی صورت می‌پذیرد، اما به اقتضای عمومیت عناوینی چون «استنصار»، «استنقاذ» و «اغاثه ملهوف» در نصوص شرعی، هرگونه اقدام سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ... در رفع مصائب انسان‌های بحران‌زده و تضمین شرایط حیاتی لازم برای آن‌ها را در برگیرد.

نتیجه

نظریه «مسئولیت حمایت» هنجاری حقوقی با جوهره‌های اخلاقی در قلمرو حقوق بین‌المللی بشر است که برای مقابله با نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر تکوین و تکامل یافته‌است. با توجه به رویکرد حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی در قبال مستضعفان و ستمدیدگان که در اصول متعدد قانون اساسی هم‌چون بند ۱۶ اصل ۳ (حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران) و اصل ۱۵۴ (حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران و سعادت انسان در کل جامعه بشری)، نظریه مزبور فرصت مناسبی جهت گفتمان‌سازی و عملیاتی‌سازی مسئولیت فراملی جمهوری اسلامی در قبال مستضعفان است.

در این تحقیق در فرآیند اثبات این فرضیه که «مستنبط از قاعده فقهی تألیف قلوب، نظریه مسئولیت حمایت می‌تواند مبنای حقوق بشری مناسبی برای جامه عمل پوشاندن به موازین حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی باشد» سه ساحت اساسی مورد توجه قرار گرفت. در ساحت نخست، به امکان شناسایی اصل نظریه مسئولیت حمایت مبتنی بر مبنای تألیف قلوب در دو محور «امکان شناسایی از منظر نسبت مفهومی با تألیف قلوب» و «امکان شناسایی از منظر قابلیت کاربرست تألیف قلوب در عصر غیبت» پرداخته شد. در محور نخست بر این موضع تأکید شد که با قرائتی تعمیم‌گرایانه می‌توان این مبنای فقهی را سامانه جامعی جهت کاربرست دکتترین مسئولیت حمایت به حساب آورد و مبتنی بر این خوانش به تناسب و تقارن مفهومی این دو مبنا اذعان کرد. در محور دوم نیز ضمن تبیین ضعف استدلالی طرفداران نظریه نسخ حکم شرعی تألیف قلوب بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این موضع تقویت گردید که حکم مزبور به زمان حیات ایشان اختصاص ندارد و پس از آن نیز استمرار دارد و در شرایط کنونی، اجرای این حکم با

صلاح‌دید امام و حاکم اسلامی منع شرعی ندارد؛ حتی می‌توان معتقد بود تألیف قلوب به‌عنوان مبنایی برای اعمال مسئولیت فراملی دولت اسلامی در قبال افراد تحت ستم، وجوب شرعی پیدا می‌کند. مطابق این استدلال، شناسایی و کاربست نظریه مسئولیت حمایت در سیاست خارجی دولت اسلامی مبتنی بر مبنای فقهی تألیف قلوب بلامانع است. ساحت دوم نوشتار به بررسی افراد مشمول مسئولیت حمایت مبتنی بر مبنای تألیف قلوب اختصاص یافت؛ در این قسمت نیز دو رویکرد تقلیل‌گرا و تعمیم‌گرا که قائل به شمولیت عنوان مؤلفه قلوبهم نسبت به کفار و مسلمانان است و قلمرو مسئولیت حمایت مبتنی بر تألیف قلوب از حیث افراد و اصناف بررسی گردید. در ساحت سوم و پایانی نیز کاربست تألیف قلوب در دکترین مسئولیت حمایت از حیث مراتب اجرای نظریه مورد توجه قرار گرفت و با تطبیق مراتب مسئولیت حمایت - شامل مسئولیت پیشگیری، مسئولیت واکنش و مسئولیت بازسازی - با احکام و عناوین فقهی و شرعی متعدد، مطابقت دو مبنای موضوع تحقیق از حیث راهبردنگاری سلسله‌مراتبی نیز به اثبات رسید.



منابع

قرآن کریم.

ابن منظور، م. (۱۴۰۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.

ابن زهره، ح. (۱۴۱۷ق). غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

ابن نجیم مصری، ز. (بی تا). البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق. (ج ۶). بی جا: بی نا.

اردبیلی، ا. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. (ج ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

اسماعیلی، م؛ غمامی، م.م. (۱۳۸۹). مطالعه فقهی حقوقی اصول سیاست خارجی دولت اسلامی بررسی تطبیقی در جمهوری اسلامی ایران. حکومت اسلامی، ۴، صص. ۲۶-۵.

انوری، ح. (۱۳۸۱). فرهنگ سخن بزرگ. (ج ۳). تهران: انتشارات سخن.

باقرزاده، م.ر. (۱۳۹۰). جایگاه دفاع از حقوق بشر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی، ۸(۲۶)، صص. ۲۲۳-۲۴۶.

پورمولا، م.ه؛ طاهری، ر. (۱۳۹۷). تألیف قلوب در فقه امامیه و چگونگی اجرای آن در عصر غیبت. پژوهش‌های فقهی، ۴، صص. ۹۴۹-۹۷۹.

بحرانی، ی. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. (ج ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

بغدادی، ع. (بی تا). إرشاد السالك إلى أشرف المسالك فی فقه الإمام مالک. بی جا: بی نا.

بلاذری، ا. (۱۳۳۷). فتوح البلدان. تهران: نشر نقره.

بهبزادی، ح. (۱۳۵۲). اصول و روابط بین الملل و سیاست خارجی. تهران: کتابفروشی دهخدا.

حبیب‌زاده، ت. (۱۳۹۵). جهاد در اسلام به مفهوم «مسئولیت حمایت». حقوق عمومی اسلامی، (۱۱)، صص. ۲۷-۴۶.

حلی، ح. (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. (ج ۸). مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۶). قرارداد ترک مخاصمه و آتش‌بس. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

خزایی، م؛ سیفی، ع؛ لیالی، م.ع. (۱۳۹۵). اصل تألیف قلوب؛ مبانی فقهی و نقش آن در قدرت

نرم جمهوری اسلامی ایران. حکومت اسلامی، ۲۱(۴)، صص. ۸۳-۱۱۰.



- خویی، س.ا. (۱۴۱۸ق). موسوعه الامام خویی. (ج ۲۴). قم: موسوعه احياء آثار الامام الخویی.
- دعاگو، ح.؛ هاشمی، س.م. (۱۳۹۸). جایگاه حقوق شهروندی کرامت‌مدار در دکترین مسئولیت حمایت در پرتو حقوق بین‌الملل. پژوهش‌های اخلاقی، ۴، صص. ۸۳-۱۰۶.
- دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. (ج ۴). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- ربانی، م.ب. (۱۳۹۶). فقه و جامعه. قم: موسسه فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
- سلیمی، ع. (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل اسلامی. قم: نشر المصطفی.
- سواری، ح.؛ حسینی بلوچی، م. (۱۳۹۰). نظریه مسئولیت حمایت: از حرف تا عمل. پژوهش حقوق، ۱۳(۳۲)، صص. ۱۷۳-۲۰۴.
- شجاعی، ه. (۱۳۸۹). اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. معرفت، ۱۵۳، صص. ۲۳-۴۰.
- شریعتی، ر. (۱۳۸۷). قواعد فقه سیاسی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صدوق، م. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ضیایی بیگدلی، م.ر. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: گنج دانش.
- طبرسی، ف. (۱۴۱۴ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ج ۵). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، م. (۱۴۰۰). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الكتاب العربی.
- طوسی، م. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه. (ج ۱ و ۲) تهران: المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- عسگری، ی. (۱۳۹۴). مقارنه گفتمان انقلاب اسلامی و مبانی اخلاقی مسئولیت حمایت. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۱، صص. ۱-۳۰.
- عسگری، ی. (۱۳۹۶). مسئولیت حمایت (تحول حاکمیت در پرتو جنبش‌های حقوق بشری). تهران: نشر میزان.
- عشریه، ر. (۱۳۹۸). مبانی قرآنی رابطه امنیت و دیپلماسی در فقه سیاسی با رویکرد به قاعده امان، تألیف قلوب و الزام. حکومت اسلامی، ۲۴(۳)، صص. ۴۶-۶۸.
- عظیمی شوشتری، ع.ع. (۱۳۸۶). حقوق بین‌الملل اسلام. تهران: نشر دادگستر.
- عمید زنجانی، ع.ع. (۱۳۷۷). فقه سیاسی. (ج ۲-۳). تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

- عمیدزنجانی، ع.ع. (۱۳۸۵). *فقه سیاسی*. (ج ۶). تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- عمیدزنجانی، ع.ع. (۱۳۸۹). *دانشنامه فقه سیاسی*. (ج ۲). تهران: دانشگاه تهران.
- عمیدی، س.ع. (۱۴۱۶ق). *کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد*. (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عیاشی، م. (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*. (ج ۲). تهران: المطبعة العلمية.
- فرزانه، ی. (۱۳۹۴). *انسانی شدن حقوق بین الملل با تأکید بر نظریه مسئولیت حمایت*. تهران: نشر میزان.
- فرزانه، ی. (۱۳۹۵). *مسئولیت حمایت در دو نظام حقوقی بین الملل و اسلام*. تهران: نشر میزان.
- فیض کاشانی، م.م. (۱۴۰۶ق). *الوافی*. (ج ۴). اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- قمی مشهدی، م. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. (ج ۵). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کشتگر، ام؛ مصطفی زاده، ف. (۱۳۹۹). واکاوی رویکرد «انسان شناختی» قرآن کریم در مواجهه با عوامل تبعیض ناروا مندرج در اصل ۱۹ قانون اساسی. *اندیشه های حقوق عمومی*، ۱۷، صص. ۷۷-۸۸.
- کلینی، م. (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامية)*. (ج ۲). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کعبی، ح. (۱۳۹۴). *تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی*. (ج ۱). تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- مبلغ دایمیردادی، م.ا. (۱۳۹۱). *تألیف قلوب و سیاست*. معرفت سیاسی، ۴(۷)، صص. ۸۷-۱۰۶.
- محقق داماد، م. (۱۳۹۳). *حقوق بین الملل: رهیافتی اسلامی*. قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرادی، ع.ا؛ فروتن، ا. (۱۳۹۴). *واژه نامه فقه سیاسی*. قم: موسسه فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- مغنیه، م.ج. (۱۴۲۱ق). *فقه الإمام الصادق (ع)*. (ج ۲). قم: موسسه انصاریان.
- مفید، م. (۱۴۱۳ق). *الإشراف فی عامّة فرائض أهل الإسلام*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- منتظری، ح.ع. (۱۴۰۶ق). *کتاب الزکاه*. (ج ۳). قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- منصورآبادی، ع؛ ریاحی، ج. (۱۳۸۹). *مفهوم شناسی «مبانی» در پژوهش های حقوقی*. پژوهش های حقوقی، ۲۲.
- موسی زاده، ا. (۱۳۹۵). *حقوق بین الملل در اسلام*. تهران: نشر دادگستر.
- میرمحمدی، س.م؛ شریفی، م.ح. (۱۳۹۵). *تألیف قلوب؛ مفهوم، قلمرو و کاربست آن در وضعیت*

معاصر. حکومت اسلامی، ۷۹، صص. ۲۷-۵۲.

نجفی، م.ح. (۱۴۲۲ق). معجم فقه الجواهر. (ج ۳). قم: موسسه دائرة الفقه الاسلامی.

نجفی، م.ح. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام. (ج ۲۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اسدزاده، م.؛ نژدی منش، ه. (۱۳۹۵). ظهور طرحی نو: دکترین مسئولیت حمایت. پژوهش ملل، ۹، صص. ۱۷-۲۵.

هیوود، اندرو (۱۳۸۷)، کلیدواژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی، مترجمین: اردشیر امیرارجمند، باسم موالی‌زاده، تهران، امیرکبیر.





References

*Holy Quran.

- al-Baladhuri, A. (1337 AP). *Futuh al-Buldan*. Tehran: Noqreh. [In Arabic]
- al-Kulayni. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 2). Tehran: Islamic Books House. [In Arabic]
- Allamah al-Hilli. (1412 AH). *Montaha al-Matlab* (Vol. 8). Mashhad: Islamic Research Complex. [In Arabic]
- al-Raghib Al-Isfahani. (1412 AH). *Vocabulary in the strange Qur'an*. Beirut: Dar Al-A'lam Al-Dar Al-Shamiya. [In Arabic]
- al-Shaykh al-Mufid. (1413 AH). *The nobility in the public are the duties of the people of Islam*. Qom: Shaykh Mufid Millennium World Congress. [In Arabic]
- al-Shaykh al-Saduq. (1413 AH). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Amid Zanjani, A. A. (1377 AP). *Political Jurisprudence*. (Vols. 2-3). Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Amid Zanjani, A. A. (1385 AP). *Political Jurisprudence* (Vol. 6). Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Amid Zanjani, A. A. (1389 AP). *Encyclopedia of Political Jurisprudence* (Vol. 2). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Amidi, S. A. (1416 AH). *The benefits in solving the problems of the rules* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Anwari, H. (1381 AP). *Great speech culture* (Vol. 3). Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Ardebili, A. (1403 AH). *A collection of benefits and evidence in the explanation of the guidance of the mind* (Vol. 4). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Asadzadeh, M., Najdimanesh, H. (1395 AP). The emergence of a new plan: the doctrine of the responsibility of protection. *Research of Nations*, (9), pp. 17-25. [In Persian]
- Askari, Y. (1394 AP). Comparison of the discourse of the Islamic Revolution and the moral principles of the responsibility of protection. *Cultural Protection of the Islamic Revolution*, (11), pp. 1-30. [In Persian]
- Askari, Y. (1396 AP). *Responsibility for protection (transformation of governance in the light of human rights movements)*. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Ayashi, M. (1380 AH). *Tafsir Al-Ayashi* (Vol. 2). Tehran: Scientific Press. [In Arabic]

- Ayatollah Khamenei. (1376 AP). *Contract to cease hostilities and ceasefire*. Isfahan: Ghaemieh Computer Research Center. [In Persian]
- Azimi Shoushtari, A. A. (1386 AP). *International Islamic Law*. Tehran: Dadgostar Publishing. [In Persian]
- Baghdadi, A. (n.d.). *Guide the seeker to the most honorable seeker in the jurisprudence of Imam Malik*. n.p. [In Persian]
- Bahrani, Y. (1405 AH). *Hadaiq al-Nazira fi Ahkam al-'Itrat al-Tahira* (Vol. 12). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Baqerzadeh, M. R. (1390 AP). The position of human rights defense in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Studies of the Islamic Revolution*, 8(26), p. 223-246. [In Persian]
- Behzadi, H. (1352 AP). *Principles and International Relations and Foreign Policy*. Tehran: Dehkhoda. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1377 AP). *Dictionary* (Vol. 4). Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran. [In Persian]
- Doagoo, H., Hashemi, S. M. (1398 AP). The place of dignified citizenship rights in the doctrine of responsibility to protect in the light of international law. *Ethical Research*, (4), pp. 83-106. [In Persian]
- Farzaneh, Y. (1394 AP). *The humanization of international law with an emphasis on the theory of protection responsibility*. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Farzaneh, Y. (1395 AP). *Responsibility for protection in both international and Islamic legal systems*. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Fayz Kashani. (1406 AH). *Al-Wafi* (Vol. 4). Isfahan: Library of Imam Amir al-Mu'minin Ali (AS). [In Arabic]
- Habibzadeh, T. (1395 AP). Jihad in Islam in the sense of "responsibility to support". *Islamic Public Law*, 1(1), pp. 27-46. [In Persian]
- Heywood, A. (2008). *Keywords in Politics and Public Law* (A. Amirarajomand, S. B. Mavalizadeh, Trans.). Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Ibn Manzur, M. (1404 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Sadr. [In Arabic]
- Ibn Najim Mesri, Z. (n.d.). *Al-Bahr Al-Raiq Sherh Kanz Al-Daqaaiq* (Vol. 6). n.p. [In Arabic]
- Ibn Zohra, H. (1417 AH). *The richness of the development to the knowledge of the principles and the branches*. Qom: Imam Sadiq (AS) Institute. [In Arabic]
- Ismaeili, M., & Ghamami, M. M. (1389 AP). Jurisprudential study of the principles of foreign policy of the Islamic State A comparative study in the Islamic Republic of Iran. *Islamic Government*, (4), pp. 5-26. [In Persian]





- Ka'bi, H. (1394 AP). Analysis of the principles of the Islamic Republic of Iran based on the principles of the Constitution (Vol. 1). Tehran: Guardian Council Research Institute. [In Persian]
- Keshtgar, M., Mostafazadeh, F. (1399 AP). Analysis of the "anthropological" approach of the Holy Quran in the face of the causes of undue discrimination contained in Article 19 of the Constitution. *Thoughts on Public Law*, (17), pp. 77-88. [In Persian]
- Khazāī, M., Seifī, A., Layālī, M. (2017). The Principle of 'Uniting the Hearts'; its Jurisprudential Foundations and its Role in the Soft Power of the Islamic Republic of Iran. *Islamic Government*, 21(4), 83-110. [In Persian]
- Khoei, S. A. (1418 AH). Encyclopedia of Imam Khoei (Vol. 24). Qom: Encyclopedia of the revival of the works of Imam al-Khoei. [In Arabic]
- Mansoorabadi, A., Riahi, J. (2012). Recognizing the Concept of 'Foundations' in Legal Studies. *Journal of Legal Research*, 11(22), 9-24. [In Persian]
- Mirmuhammadī, S., Sharifī, M. (2016). Uniting the Hearts (Putting Affection between the Hearts); Its Scope and Application in the Present Situation. *Islamic Government*, 21(1), 27-52. [In Persian]
- Mobalegh Daimirdadi, M. A. (1391 AP). Uniting the hearts and politics. *Political Knowledge*, 4(7), pp. 87-106. [In Persian]
- Montazeri, H. A. (1406 AH). Book of Zakat (Vol. 3). Qom: The publishing center of the Islamic Media School. [In Arabic]
- Moradi, A. A., & Forotan, A. (1394 AP). *Dictionary of Political Jurisprudence*. Qom: Institute of Jurisprudence of the Imams. [In Persian]
- Mughniyeh, M. J. (1421 AH). *Fiqh of Imam Sadiq (AS)* (Vol. 2). Qom: Ansariyan Institute. [In Arabic]
- Muhaqqiq Damad, S. M. (1393 AP). *International Law: An Islamic Approach*. Qom: Islamic Sciences Publishing Center. [In Arabic]
- Musazadeh, A. (1395). International Law in Islam. Tehran: Dadgostar. [In Persian]
- Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-kalam* (Vol. 21). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Najafi, M. H. (1422 AH). *Mu'jam fiqh al-jawahir* (Vol. 3). Qom: Department of Islamic Jurisprudence. [In Arabic]
- Oshriyeh, R. (2019). The Qur'ānic Bases of the Relation between Security and Diplomacy in Political Jurisprudence in View of the Idea of 'Protection, Reconciliation between Hearts, and Obligation'. *Islamic Government*, 24(3), 47-68. [In Persian]

- Pourmola, M. H., & Taheri, R. (1397 AP). Uniting the hearts in Imami jurisprudence and how to implement it in the age of absence. *Jurisprudential Research*, (4), pp. 949-979. [In Persian]
- Qomi Mashhadi, M. (1368 AP). Interpretation of the minutes and the sea of strangers (Vol. 5). Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Rabbani, M. B. (1396 AP). *Jurisprudence and society*. Qom: Institute of Jurisprudence of the Imams. [In Persian]
- Salimi, A. (1390 AP). *International Islamic Law*. Qom: al-Mustafa. [In Persian]
- Savari, H., Hosseini Baluchi, M. (1390 AP). Support responsibility theory: from word to deed. *Legal Research*, 13(32), pp. 173-204. [In Persian]
- Shari'ati, R. (1387 AP). *Rules of political jurisprudence*. Qom: Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Shaykh al-Tusi. (1387 AH). *Al-Mabsūṭ fī fiqh al-Imāmīyya* (Vols. 1-2) Tehran: Mortazavi Library for the Revival of Al-Ja'fari Works. [In Arabic]
- Shaykh al-Tusi. (1400 AH). *al-Nihayah fī Mujarrid-i Fiqh wa Fatawa*. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
- Shaykh Tabarsi. (1414 AH). *Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an*. (Vol. 5). Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic]
- Shojaei, H. (1389 AP). Objectives and strategies of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Ma'rifat*, (153), pp. 23-40. [In Persian]
- Ziaee Bigdeli, M. R. (1393 AP). *General International Law*. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]

